

جایگاه جهاد در اسلام

اساس برنامه وحی، تزکیه نفوس جامعه و تعلیم کتاب و حکمت به آنان است، از این رو خداوند قبل از هر سخن دیگر درباره جنگ، به ذکر هدف آن می‌پردازد. هدف جنگ، اقامه دین و اعلاهی کلمه توحید است.



اساس برنامه وحی، تزکیه نفوس جامعه و تعلیم کتاب و حکمت به آنان است، از این رو خداوند قبل از هر سخن دیگر درباره جنگ، به ذکر هدف آن می‌پردازد. هدف جنگ، اقامه دین و اعلاهی کلمه توحید است.

به گزارش خبرگزاری مهر، رهبر معظم انقلاب اسلام در بیاناتی درباره جهاد می‌فرماید: جهاد در اسلام در واقع کمک به ملت‌هایی است که پشت پرده سیاست‌های استعماری و استکباری و استبدادی قرار داده شده‌اند که نور اسلام به اینها نرسد؛ نور هدایت به اینها نرسد. جهاد برای دریدن این پرده‌ها و این حجابها است؛ جهاد اسلامی این است. بحث اینکه آیا جهاد، دفاعی است یا ابتدائی است یا مانند اینها، بحث‌های فرعی است؛ بحث اصلی این است: ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان؛ چرا جهاد نمی‌کنید، مقاتله نمی‌کنید، نبرد نمی‌کنید در راه خدا - و بلافاصله [می‌گوید] - و در راه مستضعفین، برای نجات مستضعفین؟ این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خود را به خطر بینداز و جانت را کف دست بگیر در میدانهای خطر، برای اینکه مستضعفان را نجات بدهی؛ معنای این، همان مسئولیت است دیگر. یا این حدیث معروف «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ و از این قبیل، فراوان آیات و روایاتی در متون اسلامی است که این جزو بیّنات اسلام است؛ یعنی اسلام انسان را این‌جور خواسته است که مسئول باشد؛ هم نسبت به خود، هم نسبت به نزدیکان خود، هم نسبت به جامعه خود، هم نسبت به بشریت مسئول است. که حالا اگر بروید دنبال این فکر را در متون اسلامی بگیرید، چیزهای عجیب و غریبی انسان مشاهده میکند از این اهتمام و از این احساس مسئولیت. (مقام معظم رهبری- ۶/۹/۹۳)

در این نوشتار بنا داریم ان شاء الله و به فضل الهی در ذیل تفسیر آیه ۱۹۳ سوره مبارکه بقره که معروف به آیه قتال می‌باشد مطالبی را پیرامون موضوع جهاد و جایگاه آن در اسلام مطرح نماییم.

هدف از جنگ و جهاد در اسلام چیست؟

اساس برنامه وحی، تزکیه نفوس جامعه و تعلیم کتاب و حکمت به آنان است، از این رو خداوند قبل از هر سخن دیگر درباره جنگ، به ذکر هدف آن می‌پردازد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ». هدف جنگ، اقامه دین و اعلاهی کلمه توحید است، زیرا قبل از اینکه بگوید با چه کسی بجنگید می‌گوید: چرا بجنگید و به چه منظور دفاع کنید.

از تقدیم راه خدا: فی سبیل الله بر کسانی که باید با آنها جنگید: الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ اهمیت هدف را می‌توان فهمید. در اسلام، دفاع از دین اصل است و دفاع از آب و خاک، جان و مال و ناموس و آبرو فرع. نخست باید از دین دفاع کرد، زیرا تنها در پرتو حفظ و سلامت دین، همه امور یاد شده در امان می‌ماند، زیرا وقتی اصل دین محفوظ ماند، براساس آموزه‌های دینی که می‌فرماید: اگر به همسر یا یکی دیگر از نزدیکان انسان حمله شد، اگرچه بر خودش از کشته شدن می‌ترسد باید از آنها دفاع کند از این رو قرآن کریم پیش از سخن درباره ویژگی جنگجویان مسلمان و اینکه با چه کسی و با چه سلاحی نبرد کنند، می‌گوید فقط برای خدا و در راه او بجنگند، بنابراین، هدف از جنگ، دفاع از دین الهی است؛ نه صرف دفاع از خود، زیرا دفاع محض حق طبیعی هر انسان است، بلکه هر موجود زنده خشمناک برابر تهاجم بیگانه می‌ایستد و از حیات خویش دفاع می‌کند.

قرآن کریم برای آنکه به دفاع که حق معقول و مقبول هر انسان است رنگ الهی و عبادی بدهد می‌فرماید: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، زیرا آنچه به دفاع عظمت می‌بخشد، صبغه دینی و الهی آن است. قرآن کریم برای توبیخ و مذمت تجاوزگری می‌فرماید: تجاوزگران، مبعوض و مورد خشم خداوندند: وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. خداوند از تجاوز از حدّ عدل نهی کرده است: وَلَا تَعْتَدُوا، پس تجاوز حرام، و تجاوزگر آلوده به معصیت بزرگ و مبعوض خداست.

در اینجا به برخی از قوانین و مقررات جنگ و جهاد از منظر قرآن می‌پردازیم قوانینی که خداوند متعال تعدی از آن را باطل می‌داند و می‌فرماید وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ در اسلام قبل از دعوت کافر به حق و اتمام حجت و استدلال، جنگیدن ممنوع است، چنان‌که انبیای الهی، پیش از اتمام حجت بر کافران از راه موعظه و جدال احسن، دست به شمشیر نمی‌بردند یا مثلاً کشتن اسیر در اسلام ممنوع و ارتکاب آن تجاوز از این قانون جنگی است، مگر در مواردی خاص که قانون آن را معین کرده باشد.

اگر در جنگ شرط شود که تن به تن باشد و خلاف آن عمل شود، تعدی و محرم است یا اینکه جنگ با کسانی که سلاح را بر زمین می‌گذارند و نیز با مجروحان و ناتوانان از نبرد ممنوع است.

از بین بردن باغستانها، گیاهان و زراعتها و زهرآلود کردن آبهای آشامیدنی دشمن (جنگ شیمیایی و میکربی) و... ممنوع است

برخی دیگر از مقررات جنگ در بیان نورانی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین آمده است: «انطلقوا بسم الله و فی سبیل الله تقاتلون أعداء الله؛ لا تقتلوا شیخاً فانیاً و لا طفلاً صغیراً و لا امرأة و لا تغلوا» ۳ امیر مؤمنان علی (ع) نیز که خلیفه واقعی رسول اکرم (ص) بود مانند آن حضرت پیش از نبرد صفین، خطاب به لشکریانش برخی از مقررات انسانی و اسلامی جنگ را چنین یادآور شدند: شما شروع کننده جنگ نباشید که این خودش حجتی افزون بر حجت حقانیت (دیگر) شماست. دشمن فراری را نکشید و ناتوانان را ضربت نزنید و بر مجروحان نتازید و احساسات زنان را با آزدن، تهییج نکنید، هرچند به شما بد بگویند و فرماندهانتان را دشنام دهند

راز اینکه انسان گاهی از محبوب کراهت دارد و به میغوض ارادت می‌ورزد، عدم آگاهی کامل او به خوبی و بدی است؛ مثلاً جهاد بر انسان واجب شده است و برکاتی دارد؛ ولی برخی بر اثر ضعف علم آن را ناخوشایند می‌پندارند، حال آنکه خیر و صلاح آنها در آن است، و به عکس، بسا به چیزی ارادت دارند که برایشان شرّ و زیان‌آور است، چون علم آنها به ضرر اندک است، از این رو ارادت و کراهتشان نیز بجا نیست: کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ کَرِهٌ لَّکُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئًا وَهُوَ خَیْرٌ لَّکُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَیْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّکُمْ وَاللَّهُ یَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

علامه طباطبایی (قدس سرّه) صاحب تفسیر المیزان در ذیل آیه مورد بحث پیرامون جهاد و دفاع موارد مهم و مفیدی را مطرح می‌کنند: استاد علامه طباطبایی ذیل آیات قتال دو مبحث تفسیری و اجتماعی دارند که در اینجا با افزوده‌هایی می‌آید. ابتدا مشروح مبحث تفسیری ایشان طی چند عنوان ارائه می‌شود:

مراحل مبارزه

ست و سیره پیامبر اکرم (ص) در برخورد با بیگانگان، از نازل ترین مرحله تا عالی‌ترین آن چنین بود: ۱. دعوت مخفیانه. ۲. فراخوانی آشکار: فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین * إنا کفینک المستهزئین) ۳. دفاع. پس از علنی شدن دعوت، کارشکنیها و آزار مشرکان آغاز شد و در دوره سه ساله شعب ابی طالب با محاصره شدید اقتصادی شدت گرفت تا پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به مدینه هجرت کرد و هنگامی که مسلمانان از نظر نفرات و ابزار دفاعی قدرتمند شدند، خداوند فرمان دفاع داد.

قرآن کریم برای سیر طبیعی مبارزه، سه مقطع عمده را برمی‌شمارد. آن سه مقطع بدین شرح است:

یک. صبر و تحمل: اسلام در دوره‌ای که مسلمانان کم شمار و ضعیف بودند اعلام موضع کرد؛ ولی مسلمانان هیچ گونه برخورد فیزیکی با مخالفان نداشتند، بلکه قرآن در آیاتی چند آنان را به صبر برابر مشکلات، تحمل اذیتها و خودداری از جنگ دعوت می‌کرد؛ مانند: و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرًا جمیلًا)

دو. دفاع: مسلمانان پس از هجرت به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی از نظر دفاعی قدرتمند شدند، از این رو آیات قتال، مانند آیه مورد بحث و آیه (أَذِنَ لِلَّذِینَ یُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا) نازل شد و مسلمانان اجازه یافتند در برابر مشرکان از جان، سرزمین و آرمانهایی دینی خود دفاع کنند.

سه. جهاد ابتدایی: جهاد ابتدایی با تحلیل حقوقی به دفاع باز می‌گردد؛ ولی از نظر فقهی همانند دفاع کیفری نیست، زیرا در دفاع کیفری نیازی به اذن امام معصوم نیست؛ اما جهاد ابتدایی مورد اختلاف است و برخی از فقها اذن معصوم را در آن لازم می‌دانند البته بنابر ولایت فقیه جامع شرایط آگاه به زمان، مدیر و مدبر، می‌توان مأذون بودن وی را در اقدام به این کار مهم نظامی بعد از مشورت با صاحب نظران جامع استنباط کرد.

جهاد با معاندان اسلام به قدری اهمیت دارد که برخی از مفسران گفته‌اند: جهاد نکردن اعتداست.

از نظر قرآن کریم روح جهاد ابتدایی نیز به دفاع از مظلومان باز می‌گردد، زیرا مستکبران مانع نفوذ تعلیم و تبلیغ اسلام به تشنه‌کامان علم و ایمان‌اند و جهاد با طاغیان به معنای طرد مانع و دفع حاجب برای رسیدن معارف ناب به محرومان است، پس همه جنگهای اسلامی دفاعی است.

خداوند پیامبران و مدافعان راستین حقوق بشر را فرستاد تا برابر هجوم همه‌جانبه کافران و مشرکان ستیزه‌گر با حیات انسانی، از این حقّ اوّلی دفاع کنند تا مردم بتوانند پرچم توحید و قسط و عدل را در سراسر جهان به اهتزاز درآورند: لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) امروزه مدافعان دروغین حقوق بشر، گاه پست‌ترین و پلیدترین کارها را که نوعی بیماری است از موارد حقوق بشر دانسته و آنها را ترویج و حمایت می‌کنند. و برترین فضیلت‌های اخلاقی را مانع آزادی می‌پندارند. اگر خداوند پیامبران را نمی‌فرستاد و بشر را به حال خود رها می‌کرد، این مدعیان کاذب جهان را تباه می‌ساختند. پیامبران و رهبران دینی مدافعان واقعی حقوق بشر بودند و از حقّ حیات انسانی مردم دفاع می‌کردند.

در ظاهر، سه هدف برای جهاد در این آیه ذکر شده، از میان بردن فتنه‌ها، و محو شرک و بت پرستی و جلوگیری از ظلم و ستم .

به این ترتیب جهاد اسلامی نه به خاطر فرمانروائی در زمین و کشورگشایی و نه به منظور به چنگ آوردن غنائم و نه تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر، یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است .

هدف یکی از سه چیز است: خاموش کردن آتش فتنه‌ها و آشوبها که سلب آزادی و امنیت از مردم می‌کند و همچنین محو آثار شرک و بت پرستی ، و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع در برابر آنان است

در بسیاری از مذاهب انحرافی ، جهاد به هیچ وجه وجود ندارد و همه چیز بر محور توصیه‌ها و نصایح و اندرزها دور می‌زند، حتی بعضی هنگامی که می‌شنوند جهاد مسلحانه ، یکی از ارکان برنامه‌های اسلامی است در تعجب فرو می‌روند که مگر دین می‌تواند، توأم با جنگ باشد.

اما با توجه به اینکه همیشه افراد زورمند و خودکامه و فرعونها و قارونها که اهداف انبیاء را مزاحم خویش می‌دیده‌اند در برابر آن ایستاده و جز به محو دین و آیین خدا راضی نبودند روشن می‌شود که دینداران راستین در عین تکیه بر عقل و منطق و اخلاق باید در مقابل این گردنکشان ظالم و ستمگر بایستند و راه خود را با مبارزه و در هم کوبیدن آنان به سوی جلو باز کنند، اصولاً جهاد یکی از نشانه‌های موجود زنده است و یک قانون عمومی در عالم حیات است ، تمام موجودات زنده اعم از انسان و حیوان و گیاه ، برای بقای خود، با عوامل نابودی خود در حال مبارزه‌اند .

بعضی از غریزه‌ها اصرار دارند جهاد اسلامی را منحصر در جهاد دفاعی خلاصه کنند، و با هر زحمتی که هست تمام غزوات پیغمبر اکرم (ص) و یا جنگ‌های بعد از آن حضرت را، در این راستا توجیه کنند، در حالی که نه دلیلی بر این مساله داریم و نه تمام غزوات رسول الله در این معنی خلاصه می‌شود بهتر این است به جای این استنباط‌های نادرست به قرآن باز گردیم و اهداف جهاد را از قرآن بگیریم ، اهدافی که همه منطقی و قابل عرضه کردن به دوست و دشمن است . چنانکه در بالا اشاره کردیم جهاد در اسلام برای چند هدف مجاز شمرده شده است .

الف - جهاد برای خاموش کردن فتنه‌ها

و به تعبیر دیگر جهاد ابتدائی آزادی بخش .

می‌دانیم خداوند دستورها و برنامه‌هایی برای سعادت و آزادی و تکامل و خوشبختی و آسایش انسانها طرح کرده است ، و پیامبران خود را موظف ساخته که این دستورها را به مردم ابلاغ کنند، حال اگر فرد یا جمعیتی ابلاغ این فرمانها را مزاحم منافع پست خود ببینند و سر راه دعوت انبیاء موانعی ایجاد نمایند آنها حق دارند نخست از طریق مسالمت آمیز و اگر ممکن نشد با توسل به زور این موانع را از سر راه دعوت خود بردارند و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند.

به عبارت دیگر: مردم در همه اجتماعات این حق را دارند که ندای منادیان راه حق را بشنوند، و در قبول دعوت آنها آزاد باشند حال اگر کسانی بخواهند آنها را از حق مشروعشان محروم سازند و اجازه ندهند صدای منادیان راه خدا به گوش جان آنها برسد و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد گردند طرفداران این برنامه حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی از هر وسیله‌ای استفاده کنند، و از اینجا ضرورت جهاد ابتدائی در اسلام و سایر ادیان آسمانی روشن می‌گردد. همچنین اگر کسانی مؤمنان را تحت فشار قرار دهند که به آیین سابق باز گردند برای رفع این فشار نیز از هر وسیله‌ای می‌توان استفاده کرد.

آیا صحیح است کسی به انسان حمله کند و او از خود دفاع ننماید؟ یا ملتی متجاوز و سلطه گر هجوم بر ملت دیگر ببرند و آنها دست روی دست گذارده نابودی کشور و ملت خویش را تماشا کنند. در اینجا تمام قوانین آسمانی و بشری به شخص یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده حق می دهد برای دفاع از خویشتن به پا خیزد و آنچه در قدرت دارد به کار برد، و از هر گونه اقدام منطقی برای حفظ موجودیت خویش فروگذار نکند.

این نوع جهاد را، جهاد دفاعی می نامند، جنگهایی مانند جنگ احزاب و احد و موته و تبوک و حنین و بعضی دیگر از غزوات اسلامی جزء این بخش از جهاد بوده و جنبه دفاعی داشته است. هم اکنون بسیاری از دشمنان اسلام، جنگ را بر مسلمین تحمیل کرده اند و سرزمینهای اسلامی را اشغال نموده و منابع آنها را زیر سلطه خود گرفته اند چگونه اسلام اجازه می دهد در مقابل آنها سکوت شود؟

ج - جهاد برای حمایت از مظلومان

شاخه دیگری از جهاد که در آیات دیگر قرآن به آن اشاره شده، جهاد برای حمایت از مظلومان است، در آیه ۷۵ سوره نساء می خوانیم: و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا: چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (بدست ستمگران) تضعیف شده اند پیکار نمی کنید، همان افراد (ستمیده ای) که می گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر، و برای ما از سوی خود، ولیی قرار ده و برای ما از سوی خود یار و یابوری معین فرما.

به این ترتیب، قرآن از مسلمانان می خواهد که هم در راه خدا و هم مستضعفان مظلوم، جهاد کنند، و اصولا این دو از هم جدا نیستند و با توجه به اینکه در آیه فوق قید و شرطی نیست، این مظلومان و مستضعفان در هر نقطه جهان، باشند، باید از آنها دفاع کرده نزدیک و دور، داخل و خارج کشور تفاوت نمی کند.

و به تعبیر دیگر حمایت از مظلومان در مقابل ظالمان در اسلام یک اصل است که باید مراعات شود، حتی اگر به جهاد منتهی گردد، اسلام اجازه نمی دهد مسلمانان در برابر فشارهایی که به مظلومان جهان وارد می شود بی تفاوت باشند، و این دستور یکی از ارزشمندترین دستورات اسلامی است که از حقانیت این آیین خبر می دهد.

د - جهاد برای محو شرک و بت پرستی

اسلام در عین اینکه آزادی عقیده را محترم می شمرد و هیچ کس را با اجبار دعوت به سوی این آیین نمی کند، به همین دلیل به اقوامی که دارای کتاب آسمانی هستند، فرصت کافی می دهد که با مطالعه و تفکر آیین اسلام را بپذیرند، و اگر نپذیرفتند، با آنها به صورت یک اقلیت هم پیمان (اهل ذمه) معامله می کند و با شرایط خاصی که نه پیچیده است و نه مشکل با آنها همزیستی مسالمت آمیز بر قرار می نماید، در عین حال نسبت به شرک و بت پرستی، سختگیر است زیرا: شرک و بت پرستی نه دین است و نه آیین و نه محترم شمرده می شود، بلکه یک نوع خرافه و انحراف و حماقت و در واقع یک نوع بیماری فکری و اخلاقی است که باید به هر قیمت که ممکن شود آن را ریشه کن ساخت.

کلمه آزادی و احترام به فکر دیگران در مواردی به کار برده می شود که فکر و عقیده لا اقل یک ریشه صحیح داشته باشد، اما انحراف و خرافه و گمراهی و بیماری چیزی نیست که محترم شمرده شود و به همین دلیل اسلام دستور می دهد که بت پرستی به هر قیمتی که شده است حتی به قیمت جنگ، از جامعه بشریت ریشه کن گردد. بت خانه ها و آثار شوم بت پرستی اگر از طرق مسالمت آمیز ممکن نشد با زور ویران و منهدم گردند.

آری اسلام می گوید باید صفحه زمین از آلودگی به شرک و بت پرستی پاک گردد و به همه مسلمین نوید می دهد که سرانجام توحید و یکتا پرستی به تمام جهان حاکم خواهد شد و شرک و بت پرستی ریشه کن خواهد گشت. از آنچه در بالا - در مورد اهداف جهاد - آمد روشن می شود که اسلام جهاد را با اصول صحیح و منطق عقل هماهنگ ساخته، و هرگز آن را وسیله سلطه جویی و کشورگشائی و غصب حقوق دیگران و تحمیل عقیده، و استعمار و استثمار قرار داده است. ولی می دانیم دشمنان اسلام - مخصوصا ارباب کلیسا و مستشرقان مغرض با تحریف حقایق، سخنان زیادی بر ضد مساله جهاد اسلامی ایراد کرده اند و اسلام را متهم به خشونت و توسل به زور و شمشیر برای تحمیل عقیده ساخته اند و به این قانون اسلامی سخت هجوم برده اند.

در پایان به معانی مختلف فتنه در قرآن می پردازیم، اینکه فتنه چیست، مفسران و ارباب لغت، درباره آن بحثهایی دارند، این واژه در اصل از ((فتن)) (بر وزن متن) گرفته شده که به گفته راغب در مفردات به معنی قرار دادن طلا در آتش، برای ظاهر شدن میزان خوبی آن از بدی است و به گفته بعضی گذاشتن طلا در آتش برای خالص شدن از ناخالصیهاست واژه فتنه و مشتقات آن در قرآن مجید، دهها بار ذکر شده و در معانی مختلفی به کار رفته است.

گاه به معنی آزمایش و امتحان است، مانند احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون: مردم گمان می کنند، همین که گفتند ایمان آوردیم، رها می شوند و آزمایش نخواهند شد و گاه به معنی فریب دادن، چنانکه می فرماید: یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان: «ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد.» و گاه به معنی بلا و عذاب آمده مانند: یوم هم علی النار یفتنون ذوقوا فتنکم: «آن روز که آنها بر آتش، عذاب می شوند و به آنها گفته می شود بچشید عذاب خود را»

و گاه به معنی گمراهی آمده، مانند و من یرد الله فتنته فلن تملک له من الله شیئا، کسی که خدا گمراهی او را بخواهد (و از او سلب توفیق کند) هیچ قدرتی برای نجات او، در برابر خداوند نخواهی داشت و گاه به معنی شرک و بت پرستی یا سد راه ایمان آوردگان، آمده مانند آیه مورد بحث و بعضی آیات بعد از آن که می فرماید: و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و یکون الدین لله: «با آنها پیکار کنید تا شرک از میان برود، و دین مخصوص خدای یگانه باشد.

ولی ظاهر این است که تمام این معانی به همان ریشه اصلی که در معنی فتنه گفته شد باز می گردد همان گونه که غالب الفاظ مشترک چنین حالی را دارند زیرا با توجه به اینکه معنی اصلی قرار دادن طلا در زیر فشار آتش برای خالص سازی، یا جدا کردن سره از ناسره است، در هر مورد که نوعی فشار و شدت وجود داشته باشد این واژه به کار می رود، مانند امتحان که معمولاً با فشار و مشکلات همراه است و عذاب که نوع دیگری از شدت و فشار است و فریب و نیرنگ که تحت فشارها انجام می گیرد و همچنین شرک یا ایجاد مانع در راه هدایت خلق که هر کدام متضمن نوعی فشار و شدت است.

منابع:

تفسیر تسنیم ج ۹ (آیت الله جوادی آملی)

تفسیر نمونه ج ۲ (آیت الله مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان)

تفسیر المیزان ج ۲ (علامه طباطبایی)

تفسیر مجمع البیان ج ۲ (علامه طبرسی)

گردآوری و تنظیم: محمدحسین رحمانی خلیلی

منبع: سایت Khamenei.ir